

تحلیله بر روند نرخ ارز در سال ۱۴۰۰

مصطفی سمیعی^۱ نسب

چکیده

بررسی‌های آماری حاکی از آن است که طی سال‌های گذشته نوسانات بازار ارز همواره موجب تاثیرگذاری منفی بر بسیاری از متغیرهای اقتصادی از جمله کاهش واردات به خصوص واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، تشدید انتظارات منفی و کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش اعتبار و اعتماد به سیاست‌های پولی و مالی و... شده و لذا به تهدیدی برای امنیت اقتصادی تبدیل شده است. بررسی روند این متغیر در سال ۱۴۰۰ نیز حاکی از نوسانات در بازار ارز است. در واقع گرچه نرخ ارز تا اواسط اردیبهشت این سال نزولی شد اما از اواسط اردیبهشت با افزایش احتمال تغییر جناح سیاسی حاکم بر کشور و رویکرد آنها به برجام، مجدداً روند صعودی خود را از سر گرفت. این روند صعودی تا اول آذر سال ۱۴۰۰ ادامه یافت و از این تاریخ به بعد، در بازه ۲۵۰۰۰۰ تا ۲۷۰۰۰۰ ریال نوسان داشته است. به علاوه پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که در صورت ادامه شرایط سیاسی موجود، کسری بودجه شدید دولت و عدم اتخاذ سیاستی جامع برای تحریک تولید و صادرات غیرنفتی، نرخ ارز مرز ۳۰۰۰۰۰ ریال را می‌شکند. به طور کلی از جمله راهکارهای پیشنهادی برای کنترل این روند نرخ ارز عبارتند از: افزایش صادرات غیرنفتی و عرضه ارز، تبدیل صندوق توسعه ملی به صندوق ثروت ملی، بهبود اعتبار بانک مرکزی، ایجاد ثبات در دیگر بازارهای سرمایه، ایجاد بازار آتی ارز، کاهش وابستگی تولیدات داخلی به واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای با ایجاد ساختارهای مالی حمایت‌کننده از نوآوری‌ها و...

واژگان کلیدی: نرخ ارز، صادرات غیر نفتی، انتظارات، کسری بودجه.

مقدمه

واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و در نتیجه، تولید، اشتغال و رفاه عمومی از این متغیر تأثیر می‌پذیرند. از این رو روند صعودی و پرنوسان این متغیر پیوسته موجب شوک اقتصادی می‌شود و متغیرهای اصلی اقتصاد و امنیت اقتصادی را تهدید می‌کند. همچنین، نوسانات گسترده این متغیر منجر به جابه‌جایی مداوم پول بین بازار دارایی‌های فیزیکی می‌شود و آشفتگی دیگر بازارهای مالی حتی سرمایه و بورس را به دنبال دارد. بنابراین، با توجه به اهمیت نرخ ارز در ایجاد ثبات یا بی‌ثباتی در اقتصاد، در این گزارش به بررسی روند این متغیر پرداخته‌ایم. برای همین، بخش

از سال ۱۳۸۹ به بعد که نظام تک‌نرخ‌ی شناور مدیریت شده ارز در کشور با مشکل مواجه و دوباره نظام چندنرخ‌ی بر کشور حاکم شد، نرخ ارز روند صعودی با دامنه نوسان گسترده را تجربه کرد. این روند صعودی موجب افزایش هزینه تولید و قیمت کالاهای نهایی وارداتی شد. همچنین، دامنه بزرگ نوسان آن موجب هجوم سفته‌بازانه به این بازار، تشدید نااطمینانی حاکم بر اقتصاد و تشدید روند صعودی نرخ ارز شد. این در حالی است که متغیرهای کلیدی اقتصاد از جمله پایه پولی و متعاقب آن، نقدینگی و تورم،

صعودی و البته پرسرعت خود را از سر گرفت. به عقیده کارشناسان، این روند صعودی — به علت تشدید انتظارات ناشی از اخبار مربوط به احتمال توافق آمریکا و چین در خریدن نفت ایران از طرف چین، تمایل دولت به افزایش نرخ برای جبران کسری بودجه، تقویت تقاضا به دلیل کاهش پروتکل‌های کرونایی و افزایش مسافرت‌های خارجی، عبور نرخ تورم از ۴۵ درصد و کاهش زیاد ارزش پول ملی متعاقب آن — تا حدود دهه اول آذر ادامه یافت؛ به طوری که در عرض حدود ۶ ماه، نرخ ارز حدود ۱/۳ برابر شد. نرخ ارز سامانه سنا در روزهای نخست آذر به حدود ۲۹۱۲۰۰ ریال رسید، اما در بازار آزاد مرز روانی ۳۰۰۰۰۰ ریال را نیز پشت سر گذاشت. با وجود این، به دنبال سیگنال‌های مربوط به از سرگیری مذاکرات و خبرهای متعاقب آن مبنی بر افزایش احتمال احیای برجام، دامنه نوسان این متغیر از آذر تا اواخر اسفند در محدوده ۲۷۷۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰ قرار گرفت. به طور کلی، این متغیر در سال ۱۴۰۰، حدود ۱۵ درصد رشد داشت.

دوم به بررسی روند نرخ ارز و مقایسه آن با سال‌های پیش و تحولات بازار این دارایی اختصاص دارد. در بخش سوم، به بیان ملاحظات امنیت اقتصادی ثبات یا بی‌ثباتی این متغیر پرداخته و در بخش آخر، راهکارهایی برای کاهش آثار بی‌ثباتی‌های این متغیر بر اقتصاد ارائه می‌شود.

۱- روند و تحولات نرخ ارز

روند تحولات روزانه نرخ ارز در سال ۱۴۰۰، در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، این متغیر تا اواسط اردیبهشت هم‌زمان با برگزاری منظم جلسات مذاکرات برای بازگشت به برجام و ارائه پالس‌هایی مبنی بر رفع تحریم از برخی منابع ارزی بلوکه‌شده در دیگر کشورها از جمله کره جنوبی و عراق روند نزولی به خود گرفت، اما از اواسط اردیبهشت هم‌زمان با قوت گرفتن احتمال پیروزی اصول‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری و با توجه به رویکرد این جناح سیاسی نسبت به برجام و روند مذاکرات، دوباره روند

نمودار ۱- روند روزانه نرخ ارز در سال ۱۴۰۰ (ریال)

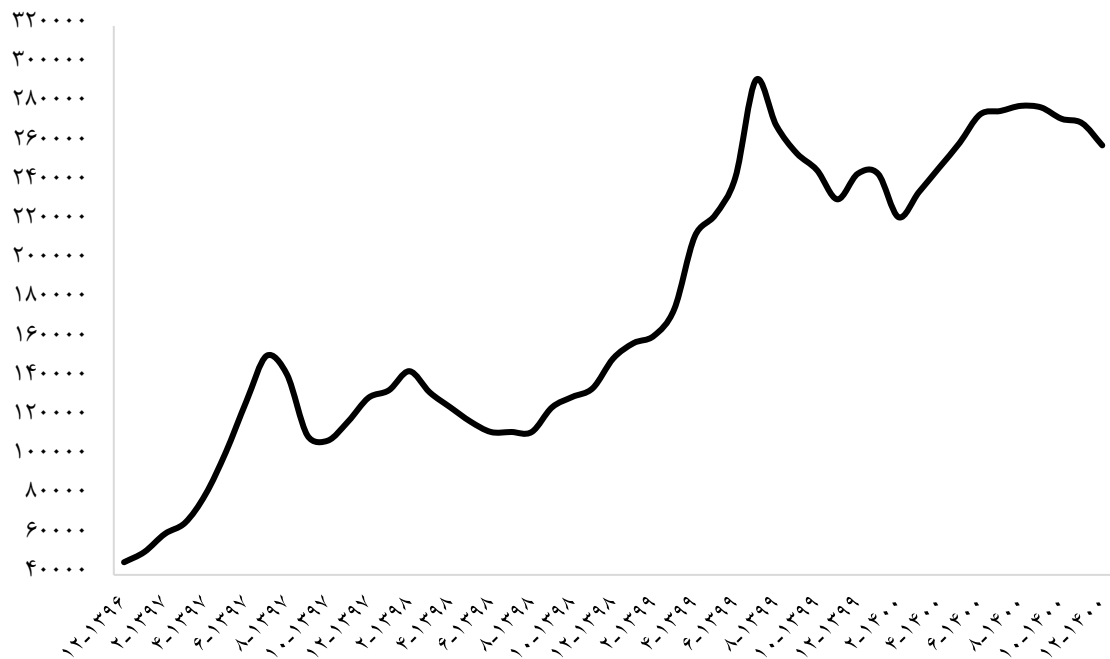


مأخذ: سامانه سنا.

همچنین، در نمودار شماره ۲، روند ماهانه نرخ ارز از اسفند سال ۱۳۹۶ تا اسفند سال ۱۴۰۰ نشان داده شده است. همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، به دنبال روند صعودی پرشتاب نرخ ارز از اسفند سال ۱۳۹۶ تا مهر سال ۱۳۹۷، سیاست‌گذاران نگران از آثار مخرب این افزایش، اقداماتی را برای کنترل نرخ ارز انجام دادند تا قدری انتظارات برآورده و از شتاب این روند کاسته شود. این سیاست‌گذاری موجب شد که تا پایان سال ۱۳۹۸، نرخ ارز در بازه ۱۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال نوسان کند، اما همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، به عقیده کارشناسان، کاهش درآمدهای ارزی، وقوع پاندمی کرونا، کسری شدید بودجه و فشار تقاضای کنشگران غیرمولد برای ارز، حساسیت سیاست‌گذار را نسبت به آثار مخرب روند صعودی نرخ

ارز بر تولید، تورم و رفاه کاهش داد و بازارساز به بازی در بازار ارز برای تأمین بخشی از کسری بودجه اقدام کردند. مجموعه این عوامل موجب افزایش نرخ ارز تا مرز ۳۰۰۰۰۰۰ ریال تا مهر ۱۳۹۹ شد. از این تاریخ به بعد، به دنبال تغییر حزب حاکم بر ایالات متحده آمریکا و تغییر موضع‌گیری‌ها نسبت به برجام و آغاز مذاکرات، نرخ ارز تا اردیبهشت ۱۴۰۰ نزولی شد و به حدود ۲۲۰۰۰۰۰ ریال رسید، اما این روند نزولی ادامه نیافت. مطابق نمودار، از خرداد تا آبان سال ۱۴۰۰ نرخ ارز دوباره مسیر صعودی‌اش را در پیش گرفت و در آبان این نرخ به حدود ۲۸۰۰۰۰۰ ریال رسید. از آبان تا بهمن، این نرخ با کاهش‌های اندک در کانال ۲۷۰۰۰۰۰ ریال قرار گرفت، اما در اسفند و در عرض یک ماه، با کاهش عمده، به حدود ۲۶۰۰۰۰۰ ریال رسید.

نمودار ۲- روند ماهانه نرخ ارز از اسفند ۱۳۹۶ تا اسفند ۱۴۰۰ (ریال)

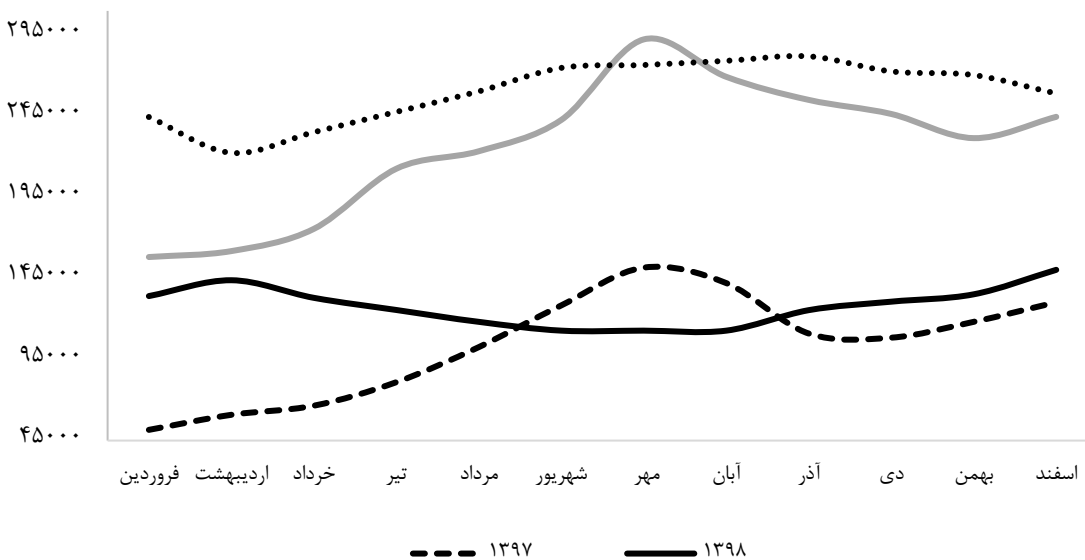


مآخذ: بانک مرکزی و سامانه سنا.

در سال ۱۳۹۷ حدود ۲/۸۱ برابر، در سال ۱۳۹۸ حدود ۱/۱۵ برابر، در سال ۱۳۹۹ حدود ۱/۶۳ برابر و در سال ۱۴۰۰ حدود ۱/۱۵ برابر شده است. همچنین، نرخ ارز در کل دوره مورد بررسی حدود ۶/۴ برابر شده است.

همان‌طور که در نمودار شماره ۳ مشاهده می‌شود، نمودار نرخ ارز هر سال از سطحی بالاتر نسبت به سال قبل آغاز شده و جز سال ۱۳۹۸، در دیگر سال‌ها روند صعودی و البته پرنوسان داشته است. در واقع، نرخ ارز

نمودار ۳- مقایسه روند ماهانه نرخ ارز در سال‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۰ (ریال)



مأخذ: بانک مرکزی و سامانه سنا.

اقتصاد کلان را رغم می‌زند. در ادامه، به برخی از پیامدهای بی‌ثباتی این نرخ اشاره می‌شود.

کاهش واردات به خصوص واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای: با توجه به وابستگی بالای تولید به واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، افزایش نرخ ارز با افزایش هزینه واردات برای تولید، موجب افزایش هزینه تولید، کاهش سودآوری و در بلندمدت موجب کاهش تولید می‌شود. بدین ترتیب، افزایش نرخ ارز به‌عنوان مانعی برای بالفعل شدن ظرفیت‌های بالقوه تولید عمل و با ایجاد کمبود عرضه در اقتصاد ملی، روند

پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که در صورت ادامه شرایط سیاسی موجود، کسری بودجه شدید دولت و عدم اتخاذ سیاستی جامع برای تحریک تولید و صادرات غیرنفتی، نرخ ارز مرز ۳۰۰,۰۰۰ ریال را می‌شکند و در سال ۱۴۰۱ مرزهای روانی جدیدی را تجربه خواهد کرد که آثار مخربی بر تولید، تورم و رفاه عمومی دارد.

۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

همان‌طور که گفته شد، نرخ ارز از راه‌های مختلف متغیرهای اقتصادی را دچار اختلال می‌کند و بی‌ثباتی

صعودی و پرشتاب نرخ تورم را تشدید می‌کند. همچنین، افزایش نرخ ارز با افزایش نقدینگی و در نتیجه، افزایش قیمت‌ها و کاهش تقاضای مؤثر، افزایش هزینه‌های تولید و کاهش سرمایه‌گذاری موجب تقویت تورم و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. در مجموع، تشدید رکود تورم به کاهش سطح رفاه عمومی و تشدید اعتراضات و نزول وضعیت امنیت اقتصادی منجر می‌شود.

- تشدید انتظارات منفی و کاهش سرمایه‌گذاری: انتظارات و ریسک ۲ عامل بسیار مهم در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) هستند. اگر چشم‌انداز اقتصاد کشوری منفی باشد، سرمایه‌گذاران داخلی به این نتیجه می‌رسند که نه تنها بازده مورد نظر خود را از پروژه‌های تولید به دست نمی‌آورند، بلکه در طول پروژه یا انتهای آن با انواع ریسک ناشی از نوسانات نرخ ارز از جمله ریسک تبدیل (ریسک سود و زیان، ریسک ترانزنامه یا اهرمی و ریسک درآمد خالص)، ریسک معاملاتی (ریسک جریان نقدی و ریسک عملیاتی) و ریسک اقتصادی (ریسک جریان نقدینگی، ریسک بازار، ریسک اعتباری، ریسک نقدشوندگی، ریسک خرید و ریسک رقبا) مواجه می‌شوند. این موضوع، هم سرمایه‌گذاری خارجی و هم سرمایه‌گذاری داخلی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، در چند سال اخیر بخشی از نوسانات نرخ ارز تحت تأثیر ۱- اخبار ضدونقیض و اظهارنظرات غیرتخصصی و غیرکارشناسانه مسئولان و ۲- عوامل بین‌المللی از جمله روند روابط سیاسی با

دیگر کشورها و همچنین، مذاکرات برجام بوده است. این عوامل نیز از کانال تشدید یا تضعیف انتظارات بر روند نرخ ارز تأثیرگذار هستند. بدین ترتیب که این اخبار موجب تشدید انتظارات و فعالیت‌های سفته‌بازانه می‌شوند و تمایل به سرمایه‌گذاری مولد را کاهش می‌دهند.

- افزایش نرخ بیکاری: همان‌طور که گفته شد، افزایش و نوسان نرخ ارز در نهایت، سبب تعمیق رکود تورمی می‌شود. افزایش تورم موجب کاهش دستمزدهای حقیقی و تقاضا برای تعدیل دستمزدها، و بروز رکود موجب کاهش توانایی اقتصاد در ایجاد شغل می‌شود. اثر اول با توجه به افزایش هزینه‌های تولید و کاهش حاشیه سود تولیدکننده، موجب مقاومت در برابر افزایش متناسب دستمزدها و تعدیل نیروی کار و در نهایت، بروز مازاد عرضه در بازار کار می‌شود. اثر دوم هم سبب کاهش تقاضای سالانه برای نیروی کار می‌شود. در نهایت، مجموع این دو اثر به افزایش بیکاری، کاهش سطح دستمزدهای حقیقی و در نهایت، کاهش سطح رفاه و امنیت اقتصادی منجر می‌شود.

- تأثیرگذاری بر بازارهای مالی: افزایش نوسانی نرخ ارز از کانال‌های مختلف بازارهای مالی را دچار نوسان می‌کند. برای مثال، در بازار بورس با توجه به سهم بالای شرکت‌های صادراتی بزرگ مانند پتروشیمی و هلدینگ‌های بزرگ دارای زیرمجموعه نفت و پتروشیمی، افزایش نرخ ارز موجب افزایش ارزش دارایی‌های این شرکت‌ها از

پایین تر تنزل می‌دهد. این به معنای از دست رفتن امنیت اقتصادی و منشائی برای اعتراضات مختلف در سطح جامعه است. نتیجه نهایی این وضعیت منجر به کاهش پایگاه اجتماعی دولت و بروز تهدیداتی برای امنیت ملی می‌شود.

- کاهش اعتبار و اعتماد به سیاست‌های پولی و مالی و در نتیجه، ناکارایی اجرای این سیاست‌ها:

مهم‌ترین عامل کنترل انتظارات در بازار ارز، اعتبار سیاست‌گذار مالی و پولی است. در هنگامه‌های پرتلاطم بازار، سیگنال سیاست‌گذار پولی تا حد زیادی از دامنه نوسانات می‌کاهد یا بر آن می‌افزاید. در واقع، سیاست‌گذاران اقتصادی با اثرگذاری بر پارامترهای کلیدی اقتصاد مانند عرضه ارز، حجم پول و نرخ‌های بهره و تورم بر روند تغییر نرخ ارز در کشور اثر می‌گذارند. از این‌رو بازیگران بازار ارز همواره اظهارات مقامات پولی و مالی را در انتظارات خود دخیل می‌کنند و به آن واکنش نشان می‌دهند. در صورتی که سیاست‌گذاران نتوانند اهدافی را که اعلام می‌کنند به تحقق برسانند، اعتبار آن‌ها زیر سؤال می‌رود و اثرگذاری خود را از دست می‌دهند. هنگامی که سیاست‌گذاران اقتصادی با بسامد بالایی در مورد بازار ارز اظهار نظر کنند و نتوانند تأثیر مورد نظرشان را بر بازار بگذارند، بازیگران بازار ارز به این نتیجه می‌رسند که سیاست‌گذاران اعتبار و قدرت لازم برای تأثیرگذاری بر بازار را ندارند و این به تلاطمات بیشتر در نرخ ارز دامن می‌زند؛ مشابه آنچه بیش از ۱/۵ سال اخیر در بازار ارز مشاهده شد.

طریق تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌شود. این موضوع رشد حبابی و بی‌پشتوانه شاخص سهام این شرکت‌ها و افزایش احتمال ریزش ناگهانی شاخص بورس را در پی دارد. همچنین، در بخش پولی، افزایش نرخ ارز و تورم ناشی از آن موجب کاهش نرخ سود حقیقی و بازده سپرده‌گذاری می‌شود. در این شرایط، شاهد خروج پول از سپرده‌های مدت‌دار و سرازیر شدن مازادهای نقدینگی به سمت دیگر بازارهای مالی خواهیم بود. همچنین، انتظارات منفی خودتقویت‌شونده ناشی از افزایش نرخ ارز، میزان تقاضا برای دیگر انواع دارایی‌های مالی یا فرار سرمایه را به همراه دارد. مجموعه این شرایط نوسانات گسترده‌ای در بخش مالی اقتصاد دارد.

- تأثیرگذاری بر رفاه: افزایش نرخ ارز و تورم

ناشی از آن، با توجه به اینکه بخش عمده پس‌انداز طبقه متوسط و فقیر به صورت ریالی است، موجب کاهش ارزش ریالی دارایی‌های این طبقه می‌شود و در مقابل، با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از پس‌انداز طبقه ثروتمند به صورت دلار، طلا، مسکن و... است، موجب افزایش ارزش دارایی‌های آن‌ها می‌شود. در چنین شرایطی، توزیع درآمد و ثروت به نفع دهک‌های بالا و به ضرر دهک‌های میانی و پایین تمام می‌شود که شکاف طبقاتی در جامعه را به میزان زیادی افزایش می‌دهد. همچنین، افزایش این متغیر با کاهش تولید، اشتغال و قدرت خرید، بخش عمده فشار تورمی را به گروه‌های متوسط و میانی وارد می‌کند و میزان رفاه کل را به سطوح

با توجه به وابستگی بالای تولید به واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، افزایش نرخ ارز با افزایش هزینه واردات برای تولید، موجب افزایش هزینه تولید، کاهش سودآوری و در بلندمدت موجب کاهش تولید می‌شود.

راهکارهای پیشنهادی

همان‌طور که گفته شد، عوامل بسیاری بر نرخ ارز اثرگذارند. در این بین، عوامل اقتصادی مانند نرخ بهره، نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم نسبی، وضعیت تراز پرداخت‌ها، وابستگی بودجه ریالی کشور به درآمدهای ارزی و همچنین، انتظارات ناشی از وضعیت سیاسی، بین‌المللی و اقتصادی از مهم‌ترین آن‌ها هستند؛ البته متقابلاً نرخ ارز نیز بر تمام این موارد تأثیر می‌گذارد. بنابراین، برای بهبود وضعیت نابسامان بازار ارز افزون‌بر عوامل اقتصادی، لازم است که عوامل سیاسی-بین‌المللی و فضای ادراکی حاصل از آن نیز مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا اگر این عوامل تأثیر بیشتری بر روند پرنوسان نرخ ارز در سال‌های اخیر نداشته باشند، تأثیرشان کمتر هم نیست. از جمله راهکارهای اقتصادی پیشنهادی برای بهبود وضعیت نرخ ارز به شرح زیر است.

- **متنوع‌سازی سبد صادرات غیرنفتی:** برای غلبه بر نوسانات ارزی یکی از مهم‌ترین راهکارها، افزایش عرضه ارز در این بازار است. لازم است در

گام نخست، صادرات غیرنفتی تقویت شود تا در گام دوم، اقتصاد از آثار سرریز این اقدام در قالب ثبات یا کاهش نوسانات نرخ ارز بهره‌مند شود. از این رو ضروری است بخش عمده درآمدهای ارزی به تقویت صنایع مختلف تولیدی و صادرات آن‌ها از طریق دیپلماسی فعال اختصاص داده شود. در واقع، یکی از ویژگی‌های بارز حاکم بر فضای موجود اقتصادی، مقاومت در برابر پذیرش انواع فناوری‌ها و روش‌های جدید کارآفرینی (در حوزه کشاورزی، آبیاری، خدمات، بازاریابی، رایانه، جذب سرمایه‌گذاری، صنعت و صنایع غذایی و...) است حال آنکه برخی از این فناوری‌ها مدت‌هاست که در دیگر کشورها اجرا شده و آثار خود را در افزایش رشد اقتصادی، درآمد سرانه و سطح رفاه شهروندان به اثبات رسانده‌اند. نکته دیگر، انعقاد قراردادهای غیرمفید در حوزه فناوری است. به عبارت دیگر، در بسیاری از موارد باز هم به دلیل فساد حاکم در لایه‌های مختلف جامعه، قراردادهای به‌گونه‌ای است که با هزینه‌های بسیار بالا فناوری‌های منسوخ یا بسیار قدیمی وارد کشور می‌شود. این رویه‌ها برای حصول این هدف باید تغییر کند.

- **تهیه نقشه ارزی کشور برای مدیریت کارای نرخ ارز:** تهیه نقشه ارزی کشور با مشارکت وزارت‌های صمت، جهاد کشاورزی، امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و سایر نهادهای مربوط راهگشاست. در تهیه این نقشه لازم است تمام ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشور برای ارزآوری و نیز کاهش نیاز ارزی



دادگستری برای نظارت بر اجرای قانون، اعضای مستقل هیئت علمی دانشگاه‌ها برای نظارت و ارائه هشدارهای لازم در مورد آثار تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها و گروهی از فعالان برجسته صنفی و مدنی مستقل از حاکمیت برای ایجاد شفافیت اطلاعات در این حوزه انتخاب کرد.

- تعامل بهینه نظام بانکی با استانداردهای بانکداری در جهان: عوامل بین‌المللی از جمله عدم رعایت استانداردها در بخش پولی و مالی از سوی بانک‌های داخلی، عدم تطابق صورت‌های مالی با استانداردهای بین‌المللی، به‌روز نبودن نرم‌افزارهای مورد استفاده در مبادلات بین‌المللی و... از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که چه بعد از برجام و چه در دور جدید تحریم‌ها - به‌رغم نبود اجماع جهانی - مانع برقراری ارتباط نظام بانکی کشور با دیگر کشورها شده‌اند. از این‌رو لزوم تعامل و هماهنگی استانداردهای بانکی با سیستم بانکداری بین‌المللی مبتنی بر مصالح و اقتضائات کشور برای ترغیب سیستم بانکی جهانی در برقراری ارتباط با ایران بسیار حائز اهمیت است.^۱

- کاهش وابستگی تولیدات داخلی به واردات مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای با ایجاد ساختارهای مالی حامی نوآوری‌های علمی: همان‌طور که گفته شد، یکی از نقاط ضعف تولید کشور وابستگی به واردات سرمایه‌ای است که نه تنها نسبت به نوسانات نرخ ارز بسیار حساس است، بلکه در بسته‌های سیاستی نیز جایگاه مناسبی

در نظر گرفته شود و سپس نیاز ارزی مربوط به کالاهایی (نهاده یا نهایی) که در داخل توان یا مزیت تولیدی ندارد، مشخص شود و تخصیص ارز مطابق آن صورت گیرد.

- تغییر صندوق توسعه ملی به صندوق ثروت ملی: آنچه متأسفانه در سال‌های اخیر درباره منابع صندوق توسعه ملی مشاهده شده، این است که منابع این صندوق عمدتاً به‌جای ایجاد زیرساخت‌های توسعه‌ای صرف تأمین هزینه‌های جاری دولت شده‌اند؛ ضمن اینکه در مورد عملکرد هیئت‌مدیره این صندوق در خصوص سرمایه‌گذاری‌های سودآور، منابع، مصارف آن و... شفافیتی وجود ندارد. بنابراین، تبدیل این صندوق به صندوق ثروت ملی با وظیفه اصلی حفظ سرمایه‌های موجود و استفاده از منابع این صندوق در سرمایه‌گذاری‌های پربازده و توزیع سود این سرمایه‌گذاری‌ها در بین مردم بهترین رویکردی است که اقتصاد را هم از فساد و رانت موجود و هم از نوسانات ناشی از درآمدهای نفتی نجات می‌دهد. همچنین، اقدام به تشکیل کمیته نظارتی مستقل بر این منابع و شفافیت در این حوزه در دستیابی به هدف بسیار ضروری است؛ ضمن اینکه اعتماد عمومی مخدوش‌شده نسبت به دولت را تا حدی ترمیم می‌کند. برای اثربخشی این کمیته، اعضای آن باید از افراد کاملاً مستقل و غیرحاکمیتی انتخاب شود. برای مثال، برخی از اعضای این کمیته را می‌توان از بین وکلای برجسته و مستقل

۱. برای مطالعه بیشتر رک به: بشخور، راهکارهای کاهش اثرگذاری تحریم‌ها، ۱۳۹۹.

ندارد. این در حالی است که حجم زیادی از اختراعات و نوآوری‌ها در حوزه‌های مختلف تولید وجود دارد که متأسفانه هیچ طرحی برای تجاری‌سازی آن‌ها موجود نیست یا دست‌کم عملیاتی نشده است درحالی‌که هرکدام از آن‌ها می‌توانند ضمن کاهش وابستگی به واردات سرمایه‌ای و نیز کاهش تأثیرپذیری تولید از نوسانات نرخ ارز، منبعی ارزآور برای کشور شمرده شوند. در این راستا، به نظر می‌رسد ۳ چالش عمده مانع از استقبال از این نوآوری‌ها شده است. نخست، واردکنندگان برخوردار از رانت قدرت و اطلاعات که بدون توجه به منافع ملی در پی حداکثرسازی سود شخصی هستند. دوم، نبود ساختارها و نهادهای مالی سازگار با پروژه‌های سرمایه‌گذاری نوآورانه و سوم، نبود فرهنگ مبتنی بر پیشرفت و ارتقا در حوزه تولید که موجب شده است بیشتر بخش‌های تولیدی، مدیران و کارگران به روند ثابت توأم با ارزش‌افزوده پایین بسنده کنند. همچنین، ایجاد نهادی به‌دور از فساد برای تأمین جریانی پایدار از مواد اولیه و واسطه‌ای مورد نیاز فعالیت‌های اقتصادی، بی‌ثباتی‌ها در فضای اقتصادی را کاهش می‌دهد و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مولد را تقویت می‌کند.

- بهبود اعتبار بانک مرکزی: توانایی بانک مرکزی برای اثرگذاری بر نرخ ارز، وابستگی مستقیم به ذخایر ارزی این بانک و منابع داخلی آن دارد. اگر تصور بازیگران بازار ارز این باشد که بانک مرکزی

منابع لازم برای مداخله مؤثر در بازار ارز را دارد، سیگنال‌های بانک مرکزی می‌تواند اثرگذار باشد، اما در صورتی‌که بازیگران بازار ارز بر این باور باشند که منابع بانک مرکزی از استحکام کافی برای تحقق اهداف اعلام‌شده سیاست‌گذار برخوردار نیست، سیگنال‌های سیاست‌گذار پولی اثرگذاری خود را از دست می‌دهد و به نوسانات بازار افزوده می‌شود. شاید مهم‌ترین سیگنال سیاست‌گذار پولی از دید بازیگران بازار ارز، اطلاعاتی باشد که در مورد منابع بانک مرکزی اعلام می‌شود. برای بازگرداندن این اعتبار به بانک مرکزی در وهله نخست لازم است منابع موجود به شیوه صحیح‌تری مدیریت و از وقوع فساد و رانت در این حوزه جلوگیری شود. از سوی دیگر، با استفاده از دیپلماسی تا حد امکان منابع را تجهیز کرد. در وهله سوم از اظهارنظر صرف دوری و قبل از اعلام سیاست، راهکاری مؤثر برای به نتیجه رسیدن آن اتخاذ کرد.

- ایجاد ثبات در دیگر بازارهای سرمایه: یکی از ابزارهای سیاستی برای کنترل انتظارات در بازار ارز، ایجاد ثبات در دیگر بازارهای سرمایه است. برای مثال، تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری بر پایه طلا، تشکیل بازار آتی سکه و افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در بازار سهام از جذابیت بازار ارز و نوسانات آن می‌کاهد.

- تخصیص بهینه منابع ارزی محدود کشور: با توجه به محدودیت صادرات نفتی و همچنین،

۱. جدا از حوزه‌های خاص پزشکی و نظامی.

کارت‌های شناسایی بودند که براساس این کارت‌ها تخصیص ارز به آن‌ها صورت می‌گرفت.

منابع

- بشخور، مرجانه (۱۳۹۹). *راهکارهای کاهش اثرگذاری تحریم‌ها*. پژوهشکده امنیت اقتصادی تدبیر، شماره ۱۳۲.
- بشخور، مرجانه (۱۳۹۸). *نگاهی به نرخ ارز و تراز پرداخت‌های خارجی (شواهدی کاربردی از اقتصاد ایران)*. ناشر: بشارت.
- داده‌های آماری بانک مرکزی.
- سامانه ارزی سنا.

محدودیت نقل و انتقال ارز، میزان دسترسی به منابع ارزی کشور با محدودیت‌هایی مواجه و لازم است این منابع محدود به گونه‌ای کارا مدیریت شود تا از بروز برخی بحران‌ها مثل بحران تأمین کالاهای اساسی جلوگیری شود. در این راستا می‌توان از تجربه مدیریت منابع ارزی سال‌های دفاع مقدس کمک گرفت. در این دوره، به دلیل محدودیت ذخایر ارزی جدید کشور، محدود شدن معاملات دلاری و خودداری از فروش دلار به بانک‌های کشور در سال ۱۳۵۸ و همچنین وقوع جنگ، تخریب زیرساخت‌ها و متعاقب آن، کاهش تولید و صادرات نفت و دیگر کالاها، منابع ارزی کشور محدود شده بود. در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، قیمت نفت در بازارهای جهانی به شدت کاهش یافت و کشور رفته‌رفته وارد شرایط سختی شد. دولت وقت اقدام به طرح برنامه‌ای اضطراری کرد. این برنامه بر اساس محدودیت‌های ارزی تنظیم و هدف عمده آن، تأمین همه نیازهای جنگ تحمیلی، تأمین حداقل نیازهای معیشتی جامعه و تلاش در راستای کنترل قیمت‌ها و اصلاح ساختار اقتصادی کشور بود. منابع ارزی کشور به ترتیب به کالاهای اساسی، دارو، کالاهای حساس (به‌خصوص کالاهای بهداشتی)، حوزه دفاعی، طرح‌های مهم دهه اول انقلاب، صنوف تولیدی و نیازهای پزشکی تخصیص یافت. در این دوره، تغییرات نرخ ارز رسمی در محدوده ۷۱ تا ۹۲ ریال بود و با استفاده از نظام کالابریگی، کالاهای اساسی در اختیار مردم قرار می‌گرفت. همچنین، اصناف نیز دارای